



اگر
پزشکیان
نبود



پزشکیان

شهریور ۱۴۰۴
هفته دولت
ویژنامه



دولت پزشکیان به داد ممنوع‌الکارها و خانه‌نشین‌ها رسید

پایان قهر و توقیف‌ها

سعید اسلام‌زاده

روزنامه‌نگار فرهنگی



و هنر را بازیابی کنند و هنرمندان کنار کشیده و قهر کرده را به کار برگردانند. سیاست‌های فرهنگی و هنری بر محور آزادی عمل هنرمندان، ایده‌آل همه اهالی فرهنگ و هنر است. اتخاذ سیاست‌هایی فراجناحی موجب می‌شود مترو معیار نقد و سنجش اثر هنری کیفیات درونی و ذاتی اثر باشد نه مسائل پیرامونی که در نگاه‌های سلیقه‌ای منجر به بایکوت اثر هنری می‌شود. در این موقعیت کارشناسان هنری در نهادهای تصمیم‌گیری طبیعتاً از متخصصان آن رشته‌ها هستند، نه کسانی غیرمرتبط که دیدگاه‌های غیرکارشناسی را در سنجش اثر لحاظ می‌کنند. مسأله مهمی که در زمینه بودن و نبودن افراد در کسوت ریاست جمهوری مطرح است، نگاه کلان در حکمرانی فرهنگی است، اصولاً در کار فرهنگ و هنر ثبات بیشتری باید باشد تا کار سیاسی. تولید اثر هنری اول تابع قواعدی برخاسته از درون و ماهیت هنر است نه قواعد نانوشته سیاسی و اجتماعی و عرفی.

اعتماد به هنرمندی که در جامعه زیسته و به سرمایه اجتماعی حاکمیت بدل شده و مردم جامعه به او و اثرش اعتماد دارند، گنجینه‌ای ارزشمند در جامعه است که با نگاه سیاسی و طرد او به راحتی از دست می‌رود.

هنرمدیران فرهنگی و هنری دولت مسعود پزشکیان در این است که در برخورد با امر فرهنگ و هنر، به نقد از درون توجه کنند. نقد از درون اگر متصفانه و حقیقی و صادق باشد، قادر است از بنیان فرهنگ و هنر و حتی حاکمیت حفاظت کند.

بی‌تردید تلاش‌های معاونت‌های فرهنگی و هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بازگرداندن سرمایه‌های اجتماعی می‌تواند بر وفاق و همبستگی ملی بیفزاید و امیدوار باشیم که با حضور هنرمندان در میدان، معنی وفاق را در عمل دریابیم. تجربه روزهای جنگ ۱۲ روزه و اجرای اهالی موسیقی در میدان آزادی نمونه‌ای از ایجاد همدلی و همبستگی در سخت‌ترین روزهای جامعه بود که از سوی معاونت هنری به انجام رسید. بعید می‌دانم کسی تردیدی داشته باشد که اگر مسعود پزشکیان رئیس‌جمهوری نبود، هرگز شاهد چنین رفتارهای فرهنگی و هنری بودیم. در پایان تأکید می‌کنم که نقد همین برنامه‌ها از ضروریات حفظ و بهبود ساختار فرهنگی است. نقد مهم‌ترین عامل برای شناسایی نقاط ضعف و تقویت آنهاست و توجه بیشتر به نقاط قوت که ارتباط مؤثری با مردم برقرار کرده است. »

هرکسی مدتی در یکی از نهادهای فرهنگی-هنری کار کرده باشد، می‌داند که تصمیم‌گیری‌های بالادستی چه تأثیری دارد در فعالیت‌های اجرایی فرهنگی و هنری از قبیل: انتشار کتاب و جریده و یا تولید فیلم و تئاتر و موسیقی و حتی آثاری که به طور شخصی خلق می‌شود و همچنین برگزاری رویدادهای فرهنگی از نمایشگاه کتاب گرفته تا جشنواره‌های هنری مختلف.

همه جلساتی که به عنوان شورای سیاست‌گذاری و یا انتخاب دبیر و داور و اثر برگزار می‌شود، حاصل همان سیاست‌های کلان دستگاه‌های تصمیم‌گیری و اجرایی است که دیدگاه‌شان را به صورت بخشنامه و آیین‌نامه ارائه می‌دهند. تفاوت در نوع آثار تولیدی و یا مجوزهای صادره برای تولید و کلید خوردن پروژه‌های فرهنگی و هنری، نمادی از اجرای سیاست‌های دولتی و حاکمیتی است که تحت عنوان حکمرانی فرهنگی به زیر مجموعه‌ها اعلام می‌شود. شاید اولین نتیجه حضور دولت دکتر پزشکیان در عرصه فرهنگ و هنر، تلاش برای حضور هنرمندانی است که در دوره قبل ممنوع‌الکار و یا خانه‌نشین بودند. در همین یکسال گذشته، تفاوت‌های زیادی را در اجرای برنامه‌ها و حضور آدم‌ها می‌توان دید و البته با همه نقدهایی که به جریان‌های فرهنگی شکل گرفته در این دوره نیز وجود دارد اما سعی فراوان سازمان سینمایی و دبیر جشنواره فیلم فجر در دوره چهل و سوم برای اکران فیلم‌های پیرپسر و قاتل و وحشی و مجوز اکران آنها جای تأمل دارد. هر چند یکی همچنان در محاق توقیف است. اما همان تلاش‌ها منجر به اکران فیلم‌های غیر از کم‌دی شده است که مدتی است سایه سنگینی بر گیشه دارند. در زمینه رفع ممنوع‌الکاری هنرمندان عرصه تئاتر و موسیقی نیز کارهای مهمی انجام گرفته است که معمولاً اعلام خبری نمی‌شوند.

هدف اصلی دولت مسعود پزشکیان و وزارت فرهنگ و ارشاد سعید عباس صالحی این بوده که سرمایه‌های اجتماعی از دست رفته در عرصه فرهنگ